

کرده باشند و آن آیت را در آن باب تلاوت نموده باشند
 تعزیر نمایند و گویند نزولت می کند او کما هی در بیفورت با گویند
 فانزل الله قائله کذا یا فنزلت گویند و کویا این اشارات
 بآن است که استنباط آن حضرت صلی الله علیه و سلم از آن آیت
 و اتفاق آن آیه در آن ساعت بخاتم مبارک آن حضرت نیز
 نوعی از فوجی و لغت لغوی در آن است ازین جهت می گویند
 فانهزلت و اگر کسی در این جا بگوید که نزول تعزیر کند نیز متواتر است
 و محدثین در ذیل آیت قرآن خبرهایی بسیار نقل کرده اند که در
 نه از قلم سبب نزول آن است که در صحابه در منا فرات
 بآیت یا مثل ایشان بآیت یا تلاوت آن حضرت صلی الله علیه و سلم
 آیه را بر ای است که در صحابه و در آن آیت حدیثی که موافق آن آیه
 باشد در اصل سخن یا تعیین موضع نزول یا تعیین مسما، مگر درین
 بطریق اهتمام با لفظ تلفظ یکدیگر و آیه یا فضل مورد آیت قرآن

قرآن

صورت امتثال آن حضرت با وی از او قرآن و مانند
 آن و این همه در حقیقت از اسباب نزول است و شرط معسر
 احاطه بآن نیست شرط معسر معرفت دو چیز است یکی تفهیم آیت
 تعریف بآن می کند پس فهم ایجابی این آیات تعریف معرفت
 آن نفس مسیری می شود و دیگر قصه که بعضی عالم یا مثل آن از وجه
 صرف از ظاهر می باید پس فهم تعهد آیات بدون آن
 مسیری نمی شود و در اینجا می باید دانست که بعضی اینها بی سابقین
 حدیثی که مذکور شده اند این نفس طویله عرفیه که بعضی از
 روایت آن میکنند همه مقول از علماء اهل کتاب است الله اعلم
 در صحیح بخاری آمده عرفو فالله لقد قوال اهل الکتاب و الله یؤیهم فیمنه
 باید دانست که صحابه و تابعین بولی مذاهب سیرکین و پیغمبر و عبادت
 جهالت ایشان بعضی جزئیات و تفریحی کردند تا آن حد که در آن
 عادات روشن تر شود و می گفتند نزولت آیه فی کذا و الله